

فارقلیط

۶ - وَ مَبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ
أَحْمَدٌ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ .

... بشارت دهنده‌ام به پیامبری که پس از من می‌آید و نام او «احمد» است هنگامی که وی با دلائل و معجزات به سوی آنها آمد ، گفتند : این جادوی آشکاراست.

محققان اسلامی می‌گویند بشارتی که این آیه از حضرت مسیح نقل می‌کند ، در انجیل یوحنا در بابهای ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ وارد شده است ، و حضرت مسیح به نقل انجیل «یوحنا» از آمدن شخصی به نام «فارقلیط» پس از خود خیر داده است ، و قرائن زیادی گواهی می‌دهد که مقصود از آن پیامبر اسلام می‌باشد ، و ما برای روشن شدن مطلب ناچاریم متون آیات را با تعیین باب و شماره از انجیل یاد شده نقل نمائیم اینک متون آیه‌ها :

« اگر شما مرا دوست دارید ، احکام مرا نگاه دارید و من از پدر خواهم خواست تا «فارقلیط» دیگری به شما بدهد ، تا بد باشما خواهد ماند .
اوروح حق و راستی است که جهان نمی‌تواند او را قبول کند ، زیرا که او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد اما شما او را می‌شناسید ، زیرا که نزد شما می‌ماند و در شما خواهد بود» (۱)

«من این سخنها را بشما گفته‌ام وقتی که باشما بودم ، لکن آن «فارقلیط» که پدر او را به اسم من خواهد فرستاد ، همان شما را هر چیز خواهد آموخت و هر چیز من به شما گفته‌ام به یاد شما خواهد آورد» (۲)

(۱) انجیل یوحنا باب ۱۴ : ۱۵ - ۱۷ ، که در سال ۱۸۳۷ میلادی در لندن چاپ شده و بقیه آیات را نیز از همین چاپ نقل می‌نماییم ، و برای اطمینان بیشتر با ترجمه‌های فارسی دیگر که از زبان سریانی و کلدانی به فارسی نقل شده است تطبیق می‌کنیم .

(۲) : باب ۱۴ : ۲۵ - ۲۶

یا پیامبر موعود مسیح



سوره صف
آیه ۶

« حال قبل از وقوع به شما خبر دادم تا وقتی که واقع گردد ایمان آورید (۱) چون آن فارقلیط که من از جانب پدر شما خواهم فرستاد ، روح راستی که از طرف پدر می آید او در باره من شهادت خواهد داد » (۲) .
راست می گویم که شما را مفید است که من بروم اگر من نروم آن فارقلیط نزد شما نخواهد آمد اما اگر بروم او را نزد شما خواهم فرستاد و او چون بیاید ، جهانیان را به گناه و صدق و انصاف ملزم خواهد ساخت ، : به گناه ، زیرا که بر من ایمان نمی آرند ، به صدق زیرا که نزد پدر خود می روم ، و شما مراد دیگر نمی بیند ، به انصاف زیرا که بر رئیس این جهان حکم جاری شده است ، و دیگر چیزهای بسیار دارم که به شما بگویم لیکن حال نمی توانید متحمل شد اما چون او بیاید او شما را به تمامی راستی ارشاد خواهد کرد زیرا که او از پیش خود سخن نخواهد گفت ، بلکه هر آنچه می شنوند خواهد گفت . و شما را به آینده خبر خواهد داد و مرا تمجید خواهد نمود زیرا که او آنچه از آن منست خواهد یافت و شما را خبر خواهد داد . هر چه از آن پدر است از من است از این جهت گفتم که آنچه آن منست می گیرد و به شما خبر می دهد (۳) .

قرائن و شواهد

در اینجاقرائن روشنی داریم که گواهی می دهد که مراد از فارقلیط پیامبری

(۱) : باب ۱۴ : ۲۹

(۲) : باب ۱۵ : ۲۶

(۳) : باب ۱۶ : ۷ - ۱۵

است که پس از مسیح میآید نه روح القدس

۱ - نخست باید توجه کرد که از برخی از تواریخ مسیحی استفاده میشود که پیش از اسلام در میان علماء و مفسرین انجیل مسلم بود که «فارقلیط» همان پیامبر موعود است، حتی گروهی از این مطلب سوء استفاده کرده و خود را «فارقلیط» موعود معرفی نموده اند.

مثلا: «منتس» که مرد ریاضت کشی بود در قرن دوم میلادی میزیست، در سال ۱۸۷ در آسیای صغیره دعوی رسالت گردید و گفت من همان فارقلیط هستم که عیسی از آمدن او خبر داده است و گروهی از وی پیروی کردند (۱)

۲ - از آثار تواریخ مسلم اسلامی کاملاً استفاده می شود که سران سیاسی و روحانی جهان مسیحیت در روزهای بعثت پیامبر اسلام همگی در انتظار پیامبر موعود انجیل بودند، از این جهت هنگامی که سفیر پیامبر نامه او را به زمامدار حبشه داد او پس از خواندن نامه روبه سفیر کرد و گفت: من گواهی می دهم که او همان پیامبر است که جهان اهل کتاب، در انتظار او هستند، و همانطور که حضرت موسی از نبوت حضرت مسیح خبر داده، او نیز از نبوت پیامبر آخر الزمان بشارت داده و علائم و نشانه های او را معین کرده است. (۲)

وقتی نامه پیامبر به دست قیصر رسید، و نامه را مطالعه کرد، و درباره پیامبر اسلام تحقیقاتی بعمل آورد، در پاسخ نامه آنحضرت چنین نوشت: نامه شما را خواندم و از دعوت شما آگاه شدم، من می دانستم که پیامبری خواهد آمد، ولی گمان می کردم که این پیامبر از شام بر خواهد خاست... (۳)

از این نصوص تاریخی استفاده می شود که آنان در انتظار پیامبری بودند و چنین انتظار به طور مسلم، ریشه انجیلی داشته است.

۳ - امتیازاتی که حضرت مسیح برای «فارقلیط» قائل شده، و شرایط و نتایجی که برای آمدن او شمرده است، این مطلب را قطعی می سازد، که منظور از «فارقلیط» جز پیامبر موعود نخواهد بود. این علایم مانع از آن است که آنرا

۱ - انیس الاعلام ج ۲ ص ۱۷۹ نقل از تاریخ «ولیم میور» که در سال ۱۸۴۸ چاپ شده است.

۲ - طبقات کبری ج ۱ ص ۲۵۹ و سیره حلبی ج ۳ ص ۲۷۹.

۳ - تاریخ کامل ج ۲ ص ۴۴.

به «روح القدس» تفسیر نماییم اینک مشروح قرائن .

الف - حضرت مسیح سخن خود را چنین آغاز کرد «اگر شما مرادوست دارید احکام مرا نگاه دارید، و من از پدر خواهم خواست تا «فارقلیط» دیگری به شما خواهد داد.»

اولا: از اینکه حضرت مسیح مهر و محبت خود را به رخ آنها می کشد، حاکی است که او احتمال می دهد که گروهی از امت او زیر بار کسی که وی از آمدن او بشارت می دهد، نخواهند رفت، و لذا از طریق تحریک عواطف می خواهد آنان را به پذیرفتن او، وادار سازد. و اگر منظور از فارقلیط، همان «روح القدس» باشد آنطور که مفسران انجیل تصور کرده اند در این صورت به چنین زمینه سازی احتیاج نبود.

زیرا روح القدس پس از نزول، آنچنان در قلوب و ارواح تاثیر می کند که برای کسی جای تردید و شك و انکار باقی نمی ماند، ولی اگر مقصود، پیامبر موعود باشد، به یک چنین زمینه سازی، نیاز شدید هست زیرا نبی موعود، جز از طریق بیان و تبلیغ در قلوب و ارواح تاثیر و تصرفی نمی کند و روی این ملاحظه گروهی منصف به وی میگردند، و گروهی از آن روی برمی گردانند.

حتی حضرت مسیح به این مقدار از تذکر اکثفا نکرده در آیه ۲۹ از باب ۱۴ در این قسمت پافشاری کرده و فرمود: الان قبل از وقوع به شما گفتم تا وقتی که واقع گردد ایمان آورید و ایمان به روح القدس، نیازی به توصیه ندارد، تا چه رسد به این اندازه پافشاری.

ثانیا: وی فرمود: «فارقلیط دیگری» به شما خواهد داد، اگر بگوئیم منظور از آن پیامبر دیگر است، کلام بدون تکلف، صحیح خواهد بود، ولی اگر مقصود از آن روح القدس باشد، به کاربردن لفظ «دیگر» خالی از تکلف نخواهد بود زیرا روح القدس متعدد نیست و تنهایی است.

ب - هرچیز من به شما گفته ام به یاد شما خواهد آورد (۱۴: ۲۶) روح راستی که از طرف پدر می آید، درباره من شهادت خواهد داد.»

می دانیم روح القدس پنجاه روز پس از مصلوب گشتن عیسی بر حواریان نازل گردیده آیا این افراد بر گزیده، همه دستورات او را در این مدت کوتاه فراموش کرده بودند، تا روح القدس دو مرتبه به آنان تعلیم دهد!

آیا شاگردان مسیح چه نیازی به شهادت او داشتند تا درباره مسیح شهادت دهد، ولی اگر مقصود، پیامبر موعود باشد، هر دو جمله معنای صحیح خواهد داشت زیرا امت مسیح بر اثر طول زمان و دستبرد علماء انجیل، بسیاری از

دستورات او را فراموش کرده و گروهی هم آنها را به دست فراموشی سپرده بودند، و حضرت محمد همه را بازگو کرد و بجهت نبوت حضرت عیسی شهادت داد، و گفت او نیز مانند من، پیامبر بوده و مادر مسیح را از نسبتهای ناروا تبرئه نمود و ساحت مقدس مسیح را از ادعای الوهیت پیراسته ساخت.

ج - «اگر من نرم فارقلیط نزد شما نمی آید» (۷:۱۵) او آمدن «فارقلیط» را مشروط به رفتن خود کرده است و اگر مقصود «روح القدس» باشد نزول او بر حضرت مسیح و حتی بر خود او و بر خود حواریین مشروط به رفتن او نبوده است، زیرا بعقیده مسیحیان روح القدس بر حواریون که حضرت مسیح خواست آنها را برای تبلیغ به اطراف بفرستد، نازل گردید (۱) بنا بر این هیچگاه نزول او مشروط به رفتن مسیح نبوده است، ولی اگر بگوئیم مقصود پیامبر است صاحب شریعت، آنهم شریعت جهانی، در اینصورت، آمدن او مشروط به رفتن حضرت مسیح و منسوخ گشتن آئین او خواهد بود.

د - اثر نزول «فارقلیط» سه چیز معرفی شده است: جهانیان را به گناه، و صدق و انصاف ملزم (۲) خواهد ساخت به گناه زیرا به من ایمان نمی آورند (۸:۱۶).

(۱) متی باب ۱۰: ۲۹. لوقا باب ۱۰: ۱۷

۱ - در بسیاری از اناجیل قدیمی، به جای «ملزم» تویخ آمده است و جمله دومی روشنتر و مناسبتر است برخی از مفسران و نویسندگان مسیحی وقتی به این جمله می رسند، و می بینند که هر گز این جمله با روح القدس تطبیق نمیکند، با کمال جسارت می گویند، منظور از رئیس جهانیان، همان شیطانست که مردم را به گناه ملزم می سازد، و گواهی این مطلب اینست که حضرت مسیح در آیه ۳۰ فرمود: رئیس جهان می آید و در من حصه ای ندارد یعنی بر مسیح غلبه نمی کند. این تفسیر، جز یک فکر شیطانی چیزی نیست زیرا به فرض اینکه یک چنین رئیس جهانیان مردم را به گناه ملزم می سازد، چگونه به صدق و انصاف الزام می نماید؟!

گذشته از این منظور از «ملزم کردن» در اینجا همان تویخ است که در بسیاری از اناجیل قدیمی وارد شده است، و اما جمله ای که در آیه سی وارد شده یعنی جمله: «رئیس جهانیان در من حصه ای ندارد»: منظور از آن اینست که او شخصیت مستقل و جداگانه ایست، و شاخه از نبوت مسیح ندارد بلکه او مکمل آیین اوست.

می دانیم « روح القدس » پنجاه روز پس از مصلوب شدن عیسی بر حواریون نازل گردید و هر گز آنها را ملزم به گناه و صدق و انصاف نمود ، و اذلیل آیه استفاده می شود که او بر منکران ظاهر می گردد، نه بر حواریون که هر گز حضرت مسیح را تکذیب نمی کردند . ولی اگر بگوئیم مقصود پیامبر موعود اسلام است تمام این امتیازات در وجود شریف او جمع می باشد .

ه - فارقلیط درباره من (مسیح) شهادت خواهد داد. (۱۵: ۲۶) شمارا از آینده خبر خواهد داد و مرا جلال خواهد بخشید (۱۶: ۱۴) .

شهادت بر حضرت مسیح حاکی است که وی روح القدس نیست ، زیرا حواریون نیازی به تصدیق او نداشتند و همچنین منظور از اینکه به او جلال خواهد بخشید ، ثنا و تعریفهایی است که پیامبر موعود درباره حضرت مسیح انجام داد و آئین او را تکمیل کرد چه جلالی بالاتر از این !

دقت در این قرائن می تواند ما را به حقیقتی که محققان عالقدر اسلام به آن رسیده اند رهنمون گردد البته قرائن منحصر به آنچه گفته شد نیست بلکه با دقت دیگری توان قرائنی دیگری به دست آورد .

در پایان مطلب قابل توجهی را که دائرة المعارف بزرگ فرانسه جلد ۲۳ ص ۴۱۷۴ در این باره دارند از نظر خوانندگان می گذرانیم :

« محمد مؤسس دین اسلام و فرستاده خدا و خاتم پیامبران است »
 « کلمه « محمد » به معنای بسیار حمد شده است و از ریشه مصدر « حمد »
 « که به معنای تمجید و تجلیل است مشتق گردیده ، بر حسب تصادف »
 « عجیب نام دیگری ، که از همان ریشه « حمد » است مترادف کامل ،
 « لفظ محمد می باشد و آن احمد است که احتمال قوی می رود عیسویان ،
 « عربستان آن لفظ را برای تعیین فارقلیط بکار می بردند احمد »
 « یعنی بسیار ستوده شده و بسیار مجلل ترجمه لفظ پاراکلیتوس »
 « است که اشتباهاً لفظ پاراکلیتوس را جای آن گذاردند به این ترتیب »
 « نویسندگان مذهبی مسلمان مکرر گوشزد کرده اند که مراد از
 « این لفظ بشارت ظهور پیامبر اسلام است . قرآن مجید نیز بطور »
 « علنی در آیه شگفت انگیز سوره صف باین موضوع اشاره می کند . (۱)

در تنظیم این مقاله از کتاب نفیس « انیس الاعلام » تألیف فخر - الاسلام استفاده شده است .

(۱) محمد خاتم پیامبران ج ۱ ص ۵۰۴